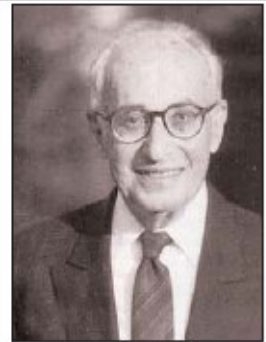


در سوگ استاد گرانقدرم شجاع الدین شفا



استاد شجاع الدین شفا، ادیب نامدار، مترجم سرشناس، پژوهشگر فرزنان ایران، پدر حرکت روشنگری عصر کنونی کشورمان بود. فرزنان شجاعی که در یکی از تاریکترین ادوار تاریخ ایران مشعل خردورزی را بر افروخت و با تکیه بر فرهنگ شکوهمند ایران، نبرد گسترده‌ای را با قاریک اندیشانی که سرنویشت کشور و ملت ما را به دست گرفته اند آغاز کرد.

شجاع الدین شفا ۶ پیش از بهمن ماه سال ۱۳۵۷ تمام توان و همت خود را صرف خدمت به فرهنگ و ادبیات ایران کرد. زمانی هم که حکومت مذهبی در ایران برپا شد، با دور اندیشی و آشنایی به تاریخ سرزمینمان، با نوشتن کتاب ایران در چهار راه سرنویشت که آن را نامه ای سرگشاده به همه فرزندان ایران نامید. آیند تاریخ کشور و ملت ایران را به تصویر کشید و به رویارویی با حکومت جهل و خرافات حاکم بر ایران برخاست. در این راه تا آخرین روزهای عمر خود که به بستر بیماری افتاد، از پا نشست. آثار ارزشمندی که استاد از دست رفت

ما در طول سی سال گذشته ارمغان هم میثان خود کرده، نشان دهند این واقعیت است که در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله ایران کمتر فرزانه ای به این وسعت و گستردگی با جهل و خرافات به مبارزه پرداخته است. مبارزه ای که بیش از هزار و دویست سال پیش در اوج اقتدار حکومت دینی عباسی به همت بزرگمرد تاریخ ایران روزبه پسر دادویه (ابن مقفع) آغاز گردید و در دوران ما با سلط حکومت دینی جمهوری اسلامی به همت بزرگمرد دیگر ایران، شجاع الدین شفا و همفکرانش با شدت و وسعت بیشتر ادامه پیدا کرد.

از عظیم روزگار این که روزبه پسر دادویه در اوج اقتدار حکومت دینی عباسیان، با برگرداندن آثار پیش از اسلام ایران به زبان عرب، و نمایاندن گرانقدری فرهنگ و اندیشه های ایرانی، مبارزه خود را با حکومت اشغالگر روزگار خود آغاز کرد و در این زمان نیز در اوج اقتدار حکومت دینی آخوندها، شجاع الدین شفا با برگردان نوشته های پس از اسلام به فارسی، پرچمداری همان حرکت را بر

عهده گرفت و به مبارزه با حکومت آخوندهای اشغالگر امروز ایران پرداخت.

مبارزه ای که هدف از آن، نخست آگاهی دادن به فرزندان ایرازمین بود تا بدانند، راه و روش هزار و چهار صد سال پیش اسلام اعراب با روند زندگی امروز آنان در هزار سوم میلادی و در عصر تمدن نوین جهانی سازگاری ندارد. دیگر این که به آخوندهای ایرانی نیز بفهماند و بقولاند که زمان، دیگر زمان دین بازی و دین سالاری و حکومت های دینی قرون وسطایی نیست. دوران دکانداری دینی و بهره برداری از ایمان مردم نیز سوری شده است.

دریغ و دردا! که استاد شجاع الدین شفا، هنوز سخن ها برای گفتن، رازها برای گوشودن و رهنمودها برای نوشتن و پراکندن داشت که فرصت نیافت تا هم این اندوخته های عمر پر بارش را ارمغان فرزندان سرزمین خود کند. فرزندان سرزمینی که به قدر جان خود، آنها را دوست می داشت. افسوس! که او نیز از دست رفت! و نماند تا قبر پدرهای خرد و خردمندی را که در میان هم میثانش پراکنده بود ببیند، و شاهد آزادی ملت خود از سلط حکومت دینی باشد.

بی شک تلاش های سرسخانه ای که استاد برای بیداری و آگاهی مردم سرزمین خود کرده است، به فراموشی سپرده نخواهد شد. هم میثانش او را نیز مانند بزرگمرد تاریخ ایران، روزبه دادویه که آغازگر حرکت روشنگری ایران پس از اسلام بود، ارج خواهند گذاشت.

به بشین نام و یاد خدمات استاد شفا به فرهنگ ایران، در تاریخ کشورمان به بزرگی جاودانه خواهد ماند و آیندگان نیز مانند همفکران امروز او، راه و روش استاد را دنبال خواهند کرد. چنانکه از هم اکنون شاگردان و پیروان مکتب او راهش را پی گرفته اند و حرکتی را که وی با همفکران و همزمانش آغاز کرده بود، دنبال می کنند. کسانی که امید دارند و می کوشند تا فروغ چراغ عصر روشنایی ایران را به سرتاسر ایران بگسترانند تا آرزوی هم خردمندان ایران را که پیروزی روشنایی بر تاریکی و خرد اهورایی بر جهل اهریمنی است، برآورده سازند.

با از دست دادن استاد گرانقدر، دریغ است که یادی از همسر مهربان وی با نو کلودین شفا نکنیم. بانویی که در سی سال گذشته بویژه در سالهای کهولت استاد، همیشه یار و یاور او بود و با عشق و علاقی از همسر ادیب و فرزنان خود پرستاری کرد. سیاس هم دوستان و علاقمندان استاد شجاع الدین شفا هدیه این بانوی گرامی باد.

هوشنگ معین زاده